

## بازیابی طرح و ساختار فضایی داغ‌باغی خوی

حمیدرضا جیحانی \*

طه زالی \*\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۸/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۰/۱۸

### چکیده

خوی از دیرباز، یکی از شهرهای مهم ایران بوده و با توجه به جایگاه ویژه سیاسی و آب‌وهوای مطبوع آن زمینه مناسب برای ایجاد باغ همواره فراهم بوده است. با وجود این، داغ‌باغی، تنها باغ قدیمی شهر است که از آن آثار و نشانه‌هایی اندک در دامنه تپه‌هایی با نام قلابی و همچنین خاطره مردم شهر برجای مانده است. باغ در جنوب شهر واقع شده و فضای نسبتاً وسیعی را به خود اختصاص داده است. تصاویر هوایی منطقه، محدوده و تا حدودی شکل باغ را نمایش می‌دهند. داغ‌باغی فعلی، مرتع وسیعی است که تعداد کمی درخت میوه در آن قابل مشاهده است؛ با وجود این مردم منطقه توصیفات زیبایی از آن ارائه می‌دهند و از جایی هم‌ردیف با باغ‌های تاریخی ایران یاد می‌کنند. این پژوهش با بررسی وضعیت موجود و مرور اسناد و تصاویر مختلف، به شناسایی ساختار معماری، گیاهی و آبی باغ می‌پردازد و تلاش می‌کند شکل کلی آنرا بازیابی کند. برای نیل به این مقصود، متون و اسناد تصویری مطالعه می‌شوند و نتایج با آثار برجای‌مانده موجود مطابقت داده می‌شوند. مجموع بررسی‌های صورت گرفته شکل باغ را آشکار ساخته و چگونگی شکل‌گیری و سیر تاریخی و تحول آن را روشن می‌کند. باغ در دوره زندگی و به دست احمدخان دُنبلی، امیر خوی و سلماس، ساخته شده است. شکل و ترکیب فضای باقی‌مانده، نشان از باغی طرح‌اندازی شده دارد که بخش‌ها و زیرمجموعه‌های آن همچون سایر باغ‌های تاریخی ایران، با طراحی شکل گرفته است. درون باغ از ۶ تخت یا طبقه شکل گرفته و در گذشته هر یک از این تخت‌ها دربردارنده درختان میوه مختلف بوده است. دو ردیف درخت چنار از ورودی تا انتهای باغ ادامه داشته و در نهایت به کوشکی زیبا با حوضی در مقابل آن می‌رسیده‌اند. آب از تپه پشت بنا از این حوض سرازیر شده و تمام این تخت‌ها را به سمت پایین می‌پیموده است. دسترسی به هر تخت نیز با دو ردیف ۹ پله‌ای صورت می‌گرفته است.

### کلیدواژه‌ها

داغ‌باغی، خوی، ساختار فضایی، احمدخان دنبلی، دوره زندگی.

### مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی  
شماره ۶ - پاییز و زمستان ۹۳

۸۷

\* استادیار دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان

\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد مرمت بناها و بافت‌های تاریخی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، نویسنده مسئول

## پرسش‌های پژوهش

۱. طرح و ساختار فضایی داغ‌باغی به چه شکلی بوده است؟
۲. اجزاء و بخش‌های تشکیل‌دهنده باغ مورد نظر چه بوده‌اند؟

### مقدمه

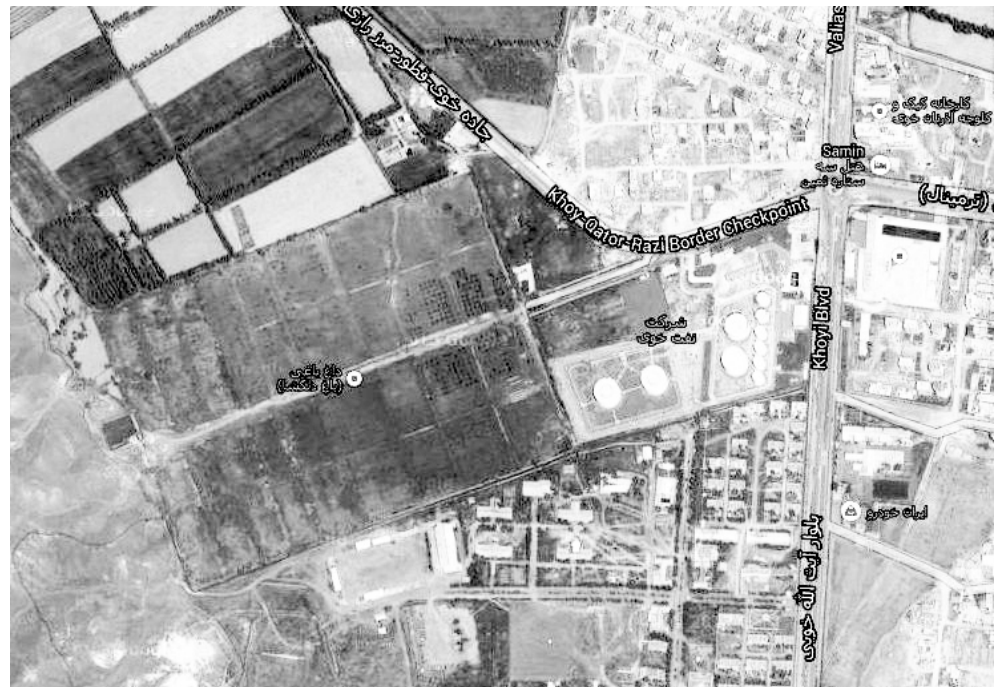
وجود باغ‌های تاریخی در جای‌جای ایران، میل به هماهنگ ساختن طبیعت و معماری را به نمایش می‌گذارد. با وجود اینکه باغ‌های تاریخی ایران به صورت متعدد در مناطق گرم و خشک قرار گرفته‌اند، به نظر می‌رسد در مناطق کوهستانی هم می‌توان شواهدی از ساخت باغ تاریخی مشاهده نمود. خوی با دارا بودن خاک حاصل‌خیز و آب فراوان، شرایط ایده‌آلی برای ایجاد فضاهای سبز از جمله باغ، داشته است.<sup>۱</sup> با وجود اینکه آثار کالبدی چندانی از باغ‌های تاریخی شهر باقی نمانده، اهمیت تاریخی آن و توجه پادشاهان دوره‌های مختلف، احتمال وجود آثاری از باغ‌های سلطنتی و باغ‌های مخصوص حکمرانان محلی را تقویت می‌نماید. برای نمونه دولتخانه، مجموعه‌ای درون شهر خوی و متعلق به دوران صفوی بوده که شاه اسماعیل، باغی منحصر به فرد در آن ساخته بود. پاسکال کُست<sup>۲</sup> تصاویری از آن در ترسیمات خود ارائه داده و مهوش عالمی طی مطالعاتی ابعاد و جوانب باغ یاد شده را مشخص کرده است.<sup>۳</sup> به نظر می‌رسد، باغ‌های دیگری از این دست در این شهر و شهرهای دیگر وجود داشته‌اند که یا به کل تخریب و دگرگون گردیده و یا به صورت ناشناخته باقی مانده‌اند. بازیابی ساختار و شکل باغ‌های تاریخی‌ای از این دست، در برخی باغ‌های قاجاری همچون باغ فردوس شمیران صورت گرفته که در آن، با استناد به اسناد تصویری و نوشتاری، حدود باغ مذکور در زمان رونق ارائه شده است.<sup>۴</sup> همین‌طور معماری باغ تخت شیراز با بهره‌گیری از اسناد و مدارک نوشتاری و تصویری بازگویی شده و در پژوهش دیگری با استفاده از همین اسناد و مدارک، تصویر این باغ بازآفرینی شده است.<sup>۵</sup> داغ‌باغی یکی از این باغ‌ها است که متاسفانه آثار ناچیزی از آن باقیمانده است و بیم آن می‌رود که با تخریب کامل آن، متون تاریخی تنها یادآور وجود چنین مکان‌هایی باشد.

### ۱. نگاهی به داغ‌باغی

داغ‌باغی، واژه‌ای ترکی به معنی باغ کوهستانی است. این نام، نشان‌دهنده قرارگیری باغ در دامنه کوه است. فضای مورد مطالعه، هم اکنون نیز در میان مردم شهر به داغ‌باغی شهرت دارد؛ ولی در برخی اسناد تاریخی آنرا «دلگشا» نیز نامیده‌اند. به نظر می‌رسد در سال‌های اولیه ساخت باغ هر دوی این اسامی کاربرد داشته‌اند؛ چرا که در اسناد نزدیک به اوایل دوره قاجار به هر دوی این اسامی اشاره شده است. ادیب‌الشعرا در کتاب تاریخ افشار، آن را داغ‌باغی معرفی می‌نماید و میرزا حسن زنوزی ریاضی<sup>۶</sup> در کتاب ریاض‌الجنه، باغ را با نام دلگشا معرفی کرده و ساخت آن را به امیر احمدخان دنبلی نسبت می‌دهد (ریاضی ۱۱۷۲، ۴۰۵). سال‌ها بعد اوژن اوبن<sup>۷</sup> -سقیه فرانسه در ایران در حوالی دوران مشروطه- نیز به محل یاد شده داغ‌باغی گفته و مالکیت آن را متعلق به امیر احمدخان دانسته است (اوبن ۱۳۹۱، ۹۸). در سال‌های اخیر «طبقه‌باغ» نیز گفته می‌شده (تفضلی ۱۳۷۰، ۷۰)، که این عنوان را بیشتر مردم عامی به کار برده‌اند. این نام، نشان از شکل مطبق باغ دارد. به هر حال عنوان داغ‌باغی مشخص می‌کند که این باغ همانی است که تهرنگی از آن هنوز در دامنه کوه‌های جنوبی شهر قابل رؤیت است.

## ۲. موقعیت

باغ در بخش جنوبی شهر و در دامنه کوهی به اسم «قآلبی» قرار دارد. محور طولی آن راستای شمال شرق - جنوب غرب داشته و در کنار جاده‌ای است که خوی را به سلماس متصل می‌کند. این مسیر در گذشته نیز همچون امروز، مسیر دسترسی به تبریز و جاده‌ای طراحی شده و مستقیم بوده است. در اطراف آن درختانی غرس شده بوده و در دو سوی آن باغ‌های متعدد قرار داشته است (مهریار و دیگران ۱۳۷۸، ۳۷). این راه از لحاظ سیاسی نیز دارای اهمیت بوده است، چرا که حاکمان خوی به طور هم‌زمان بر سلماس نیز حکومت می‌کرده‌اند (آقاسی ۱۳۵۰، ۱۹۷). از طرفی باغ در ابتدای جاده مواصلاتی خوی به ترکیه واقع شده که از لحاظ قرارگیری در مسیر ارتباطی ایران و اروپا بسیار حائز اهمیت بوده است (تصویر ۱). باغ در فاصله ۲ کیلومتری شهر قرار دارد؛ ولی با رشد شهر در جهت جنوب، به محدوده شهری نزدیک‌تر شده به طوری که در جهت غرب، انبوهی از باغ‌های میوه و مزارع و در جهت شرق تعدادی از ادارات شهر آن را احاطه کرده‌اند. علاوه بر این، هجوم بناهای مسکونی جدید این منطقه را تحت تاثیر قرار داده است (تصویر ۱).



تصویر ۱: موقعیت و جایگاه قرارگیری داغ باغی در وضعیت موجود، ماخذ: Google Earth

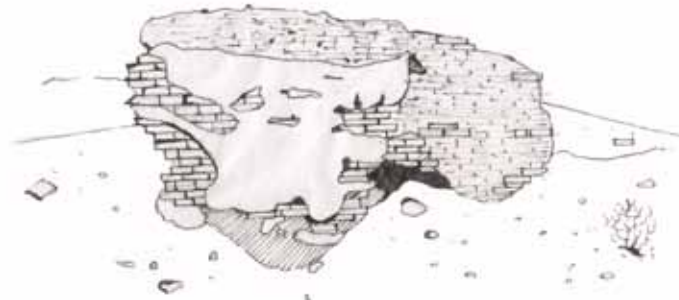
## ۳. وضعیت موجود

از بناهای احتمالی باغ و پوشش گیاهی آن اثر چندانی باقی نمانده است. با وجود این در بخش‌های ورودی و انتهایی، آثار ناچیزی از حصار باغ باقی مانده است. دیواره انتهایی دارای ۵ طاق نما با ابعاد  $65 \times 100$  سانتیمتر است و به نظر می‌رسد بقیه دیوار که فاقد طاق نما است مربوط به بازسازی حصار در دهه‌های اخیر باشد. دیواره دارای طاق نما با فاصله نسبت به فضای مستطیلی حصار باغ قرار دارد و در پلان، به صورت بیرون زدگی دیده می‌شود. (تصویر ۲)



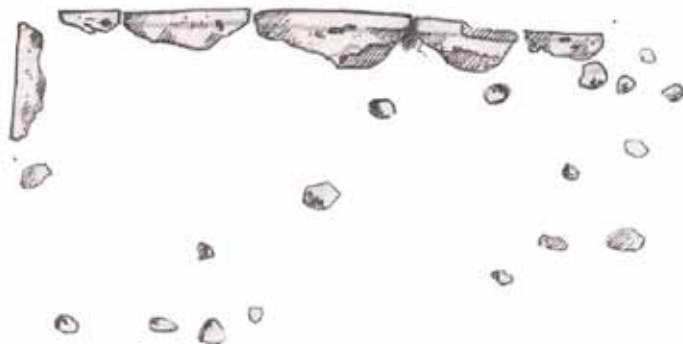
تصویر ۲: وضعیت طاق‌نماها بر حصار موجود در انتهای باغ

یک مسیر خاکی از ورودی تا انتهای باغ قابل شناسایی است. بقیه بخش‌ها پوشیده از گیاهان خودرو بوده و درختانی اندک در بخش‌های مختلف به صورت نامنظم قابل مشاهده‌اند. در انتهای باغ دیواری خشت‌وگلی قرار گرفته که ممکن است بخشی از حصار باغ یا دیوار عمارت باشد. ابعاد خشت‌های دیواره یادشده  $۵ \times ۲۰ \times ۲۰$  سانتی‌متر است. (تصویر ۳)



تصویر ۳: وضعیت طاق‌نماها بر حصار موجود در انتهای باغ

در برابر این دیواره و بر روی زمین، ردیفی از سنگ‌های سیاه با طول متوسط  $۱۵۰$  سانتی‌متر دیده می‌شود که پس از چند قطعه سنگ، یک قطعه سنگ با زاویه  $۹۰$  درجه نسبت به ردیف یاد شده قرار گرفته و ادامه یافته است؛ سنگ‌های مذکور ممکن است بقایای سنگی دور یک حوض و یا سنگ‌های ازاره یک بنا باشند (تصویر ۴).



تصویر ۴: ردیف سنگ‌های باقیمانده بر کف باغ

علی‌رغم تخریب فراوان باغ، در فضاهای کناری باغ چهار طبقه مختلف را می‌توان مشاهده کرد. دیوارهای هر طبقه با گیاهان بلند خودرو پوشیده شده‌اند. در تصویر هوایی فرم کلی باغ و تهرانگ آن قابل رؤیت است به طوری که پلان باغ و اجزای کالبدی آن تا حدودی مشخص است.



تصویر ۵: وضعیت موجود باغ، دیوار باقیمانده انتهای باغ، در سمت راست تصویر و ردیف سنگ مقابل آن در میانه تصویر مشخص است.

#### ۴. تاریخچه

بانی اولیه باغ امیر احمدخان دنبلی، حاکم خوی و سلماس بوده است، که پس از وی نیز فرزندش حسینقلی‌خان به امارت این دو شهر منصوب می‌شود. آغاز دوران امارت احمدخان دقیقاً مشخص نیست، اما تاریخ قتل وی سال ۱۲۰۰ ه.ق بوده است (آقاسی ۱۳۵۰، ۱۹۷). برخی زمان آغاز امارت وی را ۱۱۷۶ ه.ق دانسته‌اند که در این صورت با حکم کریم‌خان زند این انتصاب صورت گرفته است (غفاری ۱۳۶۹، ۲۱۴). این موضوع با روایت عبدالرزاق مینی بر عدم هم‌پوشانی زمان امارت وی با دوره نادرشاه افشار هماهنگی دارد (دنبلی ۱۳۴۲، ۲۹۰). با قبول این مطلب زمان ساخت باغ در فاصله سال‌های ۱۱۷۶ ه.ق تا ۱۲۰۰ ه.ق و در دوران زندیه بوده است. در تاریخ افشار در اشاره به لگزی‌ها و فتنه سام میرزای ساختگی در ۱۱۵۶ ه.ق به باغی با همین نام اشاره شده (ادیب الشعرا ۱۳۴۶، ۸۸) که هم‌زمان با لشگرکشی نادرشاه به آذربایجان است؛ لذا با توجه به صحبت‌های مطرح شده و تاکید نویسندگان متعدد بر ساخت باغ توسط امیر احمدخان، ممکن است در تاریخ ذکر شده ۱۱۵۶ ه.ق - در این مکان باغ دیگری نه با کیفیت دوره امارت احمدخان وجود داشته است. در این صورت به نظر می‌رسد که بنای مجدد باغ را خود وی به انجام رسانده است. از این رو ممکن است باغ پیش از ۱۱۷۶ ه.ق شکل گرفته و میان سال‌های ۱۱۷۶ ه.ق تا ۱۲۰۰ ه.ق به شکل نهایی خود نزدیک شده باشد. آذر بیگدلی شاعر و تذکره‌نویس سده ۱۲ هجری<sup>۱</sup> - متولد سال ۱۱۳۴ ه.ق و متوفی به سال ۱۱۹۵ ه.ق - قصیده‌ای ۱۲۳ بیتی در توصیف باغ و بانی آن سروده که در کتاب تجربه‌الاحرار و همچنین در دیوان آذر تحریر شده است. آذر پس از دعوت دوستش ملاسمیع مازندرانی - ندیم فرزندان احمدخان و با توجه به اینکه به علت کهولت سن نتوانسته به خوی عزیمت کند، این قصیده را سروده و برای وی فرستاده است (ریاحی ۱۳۷۸، ۱۹۲). لذا ممکن است خود او از نزدیک باغ را ندیده باشد و صرفاً از روی توصیفات دوست خود آنرا توصیف کرده باشد. از طرفی این امکان وجود دارد که وی، خوی و باغ را در سال‌های حکومت نادرشاه رؤیت کرده باشد؛ چرا که او به سال ۱۱۵۶ ه.ق در لشگر نادر و از طریق مازندرانی به آذربایجان عزیمت نموده است. به هر حال چه این توصیفات از رؤیت باغ ناشی شده باشد و چه از روی نقل و توصیف ملاسمیع مازندرانی، حاوی اطلاعاتی در مورد ساختار باغ است که می‌تواند در بازشناسی اثر نیز موثر افتد. آذر در بیت ۱۰۹ این قصیده<sup>۲</sup> بانی باغ را احمدخان فرزند مرتضی‌قلی‌خان معرفی نموده، که این موضوع با سایر نوشته‌های تاریخی هم‌خوانی دارد. او در بیت پایانی<sup>۳</sup> سروده خود نیز به حروف ابجد، تاریخ ۱۱۹۱ ه.ق را ذکر کرده که در این نکته که این تاریخ، زمان بنای باغ بوده یا نگارش و ارسال این شعر برای احمدخان جای ابهام است. برخی تاریخ ساخت بنا را همین تاریخی که آذر در شعرش آورده می‌دانند (ریاحی ۱۳۷۸، ۱۹۱)؛ اما هیچ دلیل متقنی برای این موضوع ارائه نشده است.

پس از احمدخان پسرش حسینقلی خان به امارت خوی منصوب گردید. وی در سال ۱۲۱۳ ه.ق از فتحعلی شاه قاجار در همین باغ پذیرایی می کند، که شرح آن در برخی کتب مربوط به دوران قاجار از جمله روضه‌الصفای ناصری آمده است. هنگامی که فتحعلی شاه در تبریز بود حسین خان او را به عنوان مهمان به خوی دعوت کرده و شاه نیز دعوت وی را پذیرفته است (آقاسی ۱۳۵۰، ۲۱۶). فتحعلی شاه از راه ارومیه در ۱۷ محرم ۱۲۱۳ ه.ق به خوی وارد می شود و حسینقلی خان در باغ دلگشا، پذیرایی شایانی از او و همراهانش به عمل می آورد (ریاحی ۱۳۷۸، ۱۷۰). این اتفاق یک سال پس از به قدرت رسیدن فتحعلی شاه رخ داده است. نویسنده روضه‌الصفای ناصری، در شرح مهمانی یاد شده نوشته است: «در این ایام که اردوی حضرت اعلی به جانب خوی مرحله پوی بود، امیر بی نظیر مذکور به قدم ارادت پیش آمده، به رکاب بوسی پادشاه والجاه شرف سعادت یافته، در باغ دلگشای خوی که روضه رضوان را از شرمش، خوی بر روی سزاست، و مقرّ نزول شهریار قاجار گردید، خدمات بسیار به ظهور آورد... اگر به توصیف این باغ و میزبانی بسطی رود، عنان ادهم خامه در میدان نامه از دست بیاید داد» (هدایت ۱۳۳۹، ۳۲۹). فتحعلی خان صبا نیز که به ملک الشعراء فتحعلی شاه معروف بوده، در باب این میهمانی شعری سروده و از باغ توصیفات اندک ارائه داده است. حضور پادشاه قاجار در خوی امری غیر قابل تصور نیست چرا که تا اواخر دوران قاجار، شهر به علت اهمیت سیاسی بسیار مورد توجه بوده و یکی از چند شهری بوده که در آن ضربخانه نیز وجود داشته است (تصویر ۶).



تصویر ۶: سکه نقره ۱۰ گرمی، روی سکه: السلطان فتحعلی شاه قاجار، پشت سکه: العزه بالله ضرب خوی (ریاحی ۱۳۷۸، ۱۷۱)

تا آغاز مشروطه، باغ کماکان مورد استفاده بوده و تا سال ۱۳۲۵ ه.ق آنگونه که از نوشته‌های جهانگردان و سفرای دول اروپایی برمی آید، زیبایی و شکل خود را علی‌رغم تغییر در مالکیت حفظ کرده است؛ به طوری که جملگی از منظر و خوش آب‌وهوایی آن سخن گفته‌اند. یکی از این اروپاییان، آگوست بن تان<sup>۱۱</sup> افسر فرانسوی مامور خدمت در ایران است، که از خوی عبور کرده، و در آخرین نامه‌اش به تاریخ ۱۳ رمضان ۱۲۲۲ ه.ق (۱۴ نوامبر ۱۸۰۷ میلادی) که از تبریز نوشته، وقوع زلزله‌ای در تسوج، خوی و سلماس را بیان کرده است (تفضلی ۱۳۷۰، ۶۶). بن تان در همین اثنا<sup>۱۲</sup>، وضعیت خوی و باغی در آن را این‌گونه ارائه می‌دهد. باغ را طوری ساخته‌اند که دارای بهترین منظره از کوشکی است که در یک فرسنگی قرار دارد (بن تان ۱۳۵۴، ۱۱۱). با توجه به تصویر هوایی سال ۱۳۴۶ ه.ش یک باغ و کوشک کوچک درست در مقابل داغ‌باغی وجود دارد که به نظر می‌رسد مقصود بن تان همین کوشک بوده است (تصویر ۹). بازدیدکننده اروپایی دیگر، اوژن اوین سفیر فرانسه (۱۹۰۶-۱۹۰۷) بوده که توصیفات از وضعیت باغ ارائه داده و بنا بر نوشته او به نظر می‌رسد باغ وضعیت مناسبی داشته است. حیات باغ تا اواسط سده ۱۴ ه.ق ادامه داشته است. پس از آن بنای باغ رو به ویرانی گذاشته، هر چند تا ۱۳۲۰ خورشیدی هنوز صف درختان و گل‌های سرخ آن و

نیمه مخروبه‌ای از بنای باغ قابل رؤیت بوده است (ریاحی ۱۳۷۸، ۱۹۴). پس از آن نیز تا ۲۰ سال اخیر باغ هنوز نیمه مخروبه بوده ولی با تصمیم شهردار وقت به پادگان شهر اختصاص داده شده و زمینه جهت تخریب کامل آن فراهم آمده است. هم‌اینک باغ ملک خصوصی محسوب می‌شود و بعید نیست در چند سال آتی تفکیک شده و به فروش برسد.

## ۵. بازخوانی سیمای اصیل باغ

با توجه به مطالب ذکر شده و براساس اسناد تاریخی که از این باغ سخن گفته‌اند، و بررسی وضع موجود، می‌توان سیمای و شکل اصلی آن در زمان حیات را ترسیم نمود. در این بخش تلاش می‌شود با بررسی منابع ذکر شده، طرح کلی باغ، نحوه دسترسی به باغ و کوشک آن و همچنین نوع و نحوه قرارگیری پوشش گیاهی آن مشخص شود تا در نهایت بتوان شکل باغ را در زمان رونق ترسیم کرد.

### ۵.۱. بررسی معماری باغ در اسناد نوشتاری

اسناد تاریخی مرتبط با داغ‌باغی به توضیحاتی در مورد شکل و درختان آن پرداخته‌اند؛ هرچند به صورت مسوط به معرفی تاریخی و کالبدی آن پرداخته نشده است. برخی از این اشارات، اشعاری هستند که شاعران در توصیف باغ و مدح صاحب آن سروده‌اند. از این رو حالت اغراق آمیز داشته و همراه با نوعی تملق در گفتار هستند، با وجود این در میان برخی ابیات اشاراتی به بخش‌های کالبدی باغ شده است.

در پاره‌ای از ابیات قصیده‌ای که در بخش ابتدایی از آذر بیگدلی معرفی شد، به برخی اجزای کالبدی باغ اشاره شده است. بیت ۸۹ اشاره به حوض‌ها و جدول‌هایی دارد که حضور و حرکت آب درون باغ را میسر کرده و جزء ساختارهای اصلی باغ به حساب می‌آیند.<sup>۱۳</sup> در بیت ۹۴ به پوشش گیاهی و ویژگی خزان‌ناپذیری درختان باغ اشاره شده است؛ با وجود این متأسفانه از نوع درختان و نحوه کاشت آنها مطلبی ذکر نشده است.<sup>۱۴</sup> بیت ۱۰۶ نیز اشاره به حمامی دارد که احتمالاً در زیر عمارت موجود در باغ قرار داشته است.<sup>۱۵</sup> از شعر فتحعلی‌خان صبا نیز می‌توان به توصیفات اندکی از باغ رسید.<sup>۱۶</sup> با بررسی ابیات شعر یاد شده می‌توان از وجود کاخی درون باغ، با ایوان و تزیینات آگاه شد.

علاوه بر این دو شاعر، قریب به پانزده جهانگرد و سفیر در فاصله سال‌های ابتدایی حکومت فتحعلی‌شاه (۱۲۱۲ ه.ق) تا آغاز مشروطه (۱۲۸۵ ه.ق) از خوی گذر کرده و تعدادی از آنها به توصیف آن چیزی پرداخته‌اند که در باغ دلگشای خوی رؤیت کرده‌اند (تفضلی ۱۳۷۰، ۶۵). یکی از این اروپاییان پیر آمده ژوبر<sup>۱۷</sup> فرانسوی است که در ۵ مه ۱۸۰۶ مصادف با ۱۲۲۱ ه.ق وارد خوی شده و باغ خوی را توصیف کرده است. توصیفات وی اشارات مفیدی به بناها و شکل کلی باغ دارد. «فردای ورودم به خوی به دیدار حسین‌خان حاکم این ولایت رفتم. این مامور عالی‌مقام در کلاه‌فرنگی‌ای در وسط باغ، مرا به حضور پذیرفت. از مشاهده چند ردیف درخت که آنها را به صورت متقارن کاشته بودند، و حوض‌های مرمر با فواره‌های آب، سخت در شگفت شدم. کلاه‌فرنگی کمی از سطح زمین بلندتر و از جلو باز بود و از طریق شیشه‌های رنگین، از بیرون نور می‌گرفت. اشخاصی که از اطرافیان حاکم به شکار می‌رفتند، به ردیف، در کنار او، در باغ صف بسته بودند» (ژوبر ۱۹۱، ۱۳۴۷).

ژوبر، حسین‌خان را حاکم خوی معرفی نموده و باغ را متعلق به وی می‌داند. همان‌گونه که قبلاً اشاره شد حسین‌خان پس از احمدخان و از سال ۱۲۰۰ ه.ق به بعد، امیر خوی بوده است. پس قطعاً اشارات وی مربوط به داغ‌باغی خوی است. وجود یک عمارت در باغ به شکل کلاه‌فرنگی یا کوشک که کمی از سطح زمین بلندتر است و در واقع برای ورود به آن نیاز به پله بوده است، ردیف‌های متقارن از درختان و وجود حوض‌های مرمر و فواره، عناصری هستند که ژوبر در توصیفاتش به آنها اشاره کرده است. تقریباً در همین سال‌ها زوزی ریاضی، در خوی ساکن بوده و در کتاب خود، ریاض‌الجنه، باغ را شامل چندین طبقه و پر از اشجار چنار رعنا معرفی می‌کند (ریاضی ۱۱۷۲، ۴۰۵).

جیمز موریه<sup>۱۸</sup> دو بار در سال‌های ۱۲۲۴ ه.ق (۱۸۰۹ میلادی) و ۱۲۲۹ ه.ق (۱۸۱۴ میلادی) به ایران آمده است. او در سفر اولش، با عبور از خوی، توصیفات از باغ ارائه داده است. «زمین‌های این شهر سرتاسر پوشیده از گندم‌زارهای

وسیع است. تنها اینجا و آنجا، درختان بلندی که از اطراف باغ‌ها سر به در آورده‌اند، منظره گندمزارها را از نظر ما پنهان می‌کرد. ما در سر راه به یکی از این باغ‌ها، که هم از نظر صفا و زیبایی، و هم به علت داشتن درختان میوه فراوان و پر بار، بسیار معروف بود، وارد شدیم. این باغ در سمت چپ جاده و در فاصله تقریباً دو میلی از دیوارهای شهر واقع است و درختان آن توسط حسین خان، حاکم شهر در دوران آغامحمدخان کاشته شده، اما اکنون متعلق به حکومت است. باغ دارای خیابان زیبایی است که در دو سوی آن درخت چنار کاشته‌اند و این خیابان به خانه‌ای بیلاقی منتهی می‌شود و ساختمان آن بر بالای زمین مرتفعی که از شش مهتابی مطبق تشکیل شده، احداث شده است. از طبقات هر مهتابی، آبشار زیبایی که آب آن را از طریق قنات‌هایی از کوهستان‌های مجاور آورده‌اند، سرازیر می‌شود.<sup>۱۹</sup> اما ساختمان باغ در زمان بازدید ما رو به ویرانی گذاشته بود» (موریه ۱۳۸۵، ۳۲۷). موریه هنگام خروج از ایران، خوی را دیده و شرح داده است. طبیعتاً مسیر خروج از ایران، از راه تبریز، تسوج، سلماس و خوی بوده است. وی باغ مذکور را هنگام ورود به خوی در سمت چپ جاده بیان کرده و فاصله آنرا نیز تقریباً ۲ میل از شهر مشخص کرده است. از طرفی تاریخ سفر اول وی ۱۲۲۴ ه.ق هم‌زمان با امارت حسینقلی خان بوده است. لذا می‌توان گفت که موقعیت و ویژگی‌های باغ مذکور همان خصوصیات داغ‌باغی است. موریه در این توصیفات، به خیابان درون باغ که در دو طرف آن چنار کاشته شده و در نهایت به یک کوشک منتهی می‌شود اشاره دارد. وی باغ را مطبق و در ۶ تخت معرفی می‌کند. او مسیر حرکت آب را نیز به صورت آبشارهایی وصف می‌کند که روی تخت‌های یاد شده قرار دارند. اوژن اوبن سفیر فرانسه در ایران نیز باغ خوی را این‌گونه توصیف می‌کند: «باغ داغ‌باغی او ۲۰ بر سر راه سلماس، زیباترین باغ سرتاسر این منطقه به شمار می‌رود. در این باغ آب‌ها به صورت آبشار از بالای سنگ‌ها، سرازیر می‌شود و در وسط دو ردیف درختان باشکوه، خانه‌اش که زیباترین خانه شهر است، قرار دارد» (اوبن ۱۳۹۱، ۹۸). توصیف اوبن مربوط به همان باغی است که تهرانگ آن در مسیر جاده میان خوی و سلماس واقع شده است. قطعاً آبشاری بودن حرکت آب درون باغ از اختلاف ارتفاع سطوح ناشی می‌شده که یا کل باغ به صورت مطبق بوده یا اینکه در مسیر حرکت آب، با استفاده از سنگ نوعی حرکت آبشار مانند ایجاد کرده بودند.

محمدامین ریاحی در کتاب تاریخ خوی، به وصف باغ پرداخته است. وی که تا سال ۱۳۲۱ خورشیدی در خوی اقامت داشته، در توصیفات خود اظهار می‌دارد که در دوران سکونت در خوی هنوز ته‌مانده‌هایی از باغ باقی بوده است. او ضمن توصیف باغ می‌نویسد: «باغ دلگشا در خارج شهر و جنوب آن، در دامنه کوه قلابی و در ۴ طبقه تراشیده شده بود، و در انتهای هر طبقه دیواری به ارتفاع ۲ یا ۳ متر از پایین تا بالا با سنگ‌های تراشیده برآورده بودند، و از هر طبقه با دو پلکان سنگی ۹ پله‌ای در چپ و راست خیابان رفت‌وآمد می‌شد. در بالاترین قسمت باغ، عمارت مجلل دو طبقه‌ای بود که زیر آن حمام وسیعی با سنگ‌های مرمر، و جلوی عمارت استخر بزرگی ساخته شده بود. آبی که از چشمه‌های کوهستان پشت باغ از راه تنبوشه‌های زیرزمینی می‌آمد، از فواره وسط باغ بالا می‌زد و از جویباری در وسط خیابان بزرگ شرقی-غربی، به صورت آبشارهایی از طبقه‌ای به طبقه‌ای سرازیر می‌شد» (ریاحی ۱۳۷۸، ۱۹۴). مساحت باغ ۱۸ هکتار و دقیقاً برابر ۱۷۶۰۰۰ ذرع بوده است (ریاحی ۱۳۷۸، ۱۹۵)؛ که این مقدار اندکی بیش از ۱۸ هکتار است. به نظر می‌رسد باغ در آن دوران دقیقاً همین اندازه بوده باشد چرا که با ذرع ۱۰۴ سانتی‌متری، و کلمه دقیقاً که ایشان استفاده کرده و اینکه دو اندازه را بلافاصله آورده‌اند، مساحت باغ همان ۱۸/۴۰ هکتار بوده است. هم اکنون نیز محدوده باغ دارای همین ابعاد و مساحت است.

## ۵.۲. بررسی تصاویر موجود از باغ

در آرشو خانوادگی ریاحی دو تصویر از داغ‌باغی وجود دارد که در کتاب تاریخ خوی نوشته محمدامین ریاحی چاپ شده‌اند. تصویر اول از طبقه سوم و از مسیر دسترسی به بنای انتهای باغ گرفته شده و در آن ردیف چنارهای کهنسال در دو طرف مسیر به خوبی مشخص است. دو ردیف پله ۹ تایی در هر طبقه قابل رؤیت است. ارتفاع هر یک از این پله‌ها ۲۰ تا ۲۵ سانتی‌متر است. طبقات باغ با استفاده از دیوارهای سنگی مرتب ساخته شده‌اند. در وسط این دیوارها جوی سنگی‌ای قرار دارد که آب را از طبقه دربردارنده عمارت به سمت طبقات پایین منتقل می‌کند. (تصویر ۷)





تصویر ۷: مسیر دسترسی درختکاری شده به عمارت باغ (ریاحی ۱۳۷۸، ۱۹۲)

در تصویر دیگری که از تخت فوقانی دربردارنده عمارت باغ گرفته شده تنها بنا و حوضی در مقابل آن قابل رؤیت است. یک کوشک زیبا با ایوان‌ها و بازشوهای متعدد که از سطح مهتابی به اندازه دو پله بالاتر است. بنا دارای دو طبقه و سقف شیروانی و ستوری است. تزئینات آجری به صورت گل‌انداز بر روی آن کار شده است. عرض حوض سنگی تقریباً با عرض بنا یکسان است. در سمت چپ تصویر درخت چناری مشهود است که مشخص می‌کند طبق گفته اوین ردیف درختان چنار تا اطراف عمارت ادامه یافته‌اند. (تصویر ۸) آنگونه که از تصویر مشخص است، کف این تخت از باغ دارای پوشش سنگی بوده و مسیر آبروی کنار حوض و ازاره سنگی سیاه عمارت باغ نیز کاملاً مشهود است.



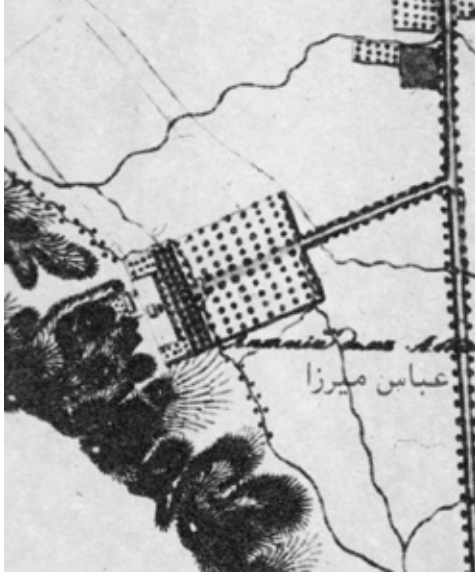
تصویر ۸: کوشک درون باغ و حوض مقابل آن (ریاحی ۱۳۷۸، ۱۹۳)

## مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی  
شماره ۶ - پاییز و زمستان ۹۳

۹۵

تنها سند ترسیمی موجود از داغ‌باغی، نقشه حومه شهر خوی است که در سال ۱۲۴۷ ه.ق (۱۲ نوامبر ۱۸۲۸ میلادی) توسط کولوف و یائی شنیکف با تخمین و به هنگام سیر و گشت نقشه‌برداری و ترسیم شده است (مهریار و دیگران ۱۳۷۸، ۷۴-۷۵). جایگاه باغ در این ترسیم دقیقاً با مکان فعلی آن هماهنگ است. ابعاد و تناسبات باغ نیز کمابیش همچون وضعیت فعلی آن است. تعداد تخت‌های موجود در باغ، ۴ عدد بوده و ردیف درختان در ابتدای هر کدام از تخت‌ها مشهود است.



تصویر ۱۰: نقشه داغ‌باغی در سال ۱۸۲۸ میلادی ترسیم شده توسط کولوف و یائی شنیکف (مهریار و دیگران ۱۳۷۸، ۷۳)



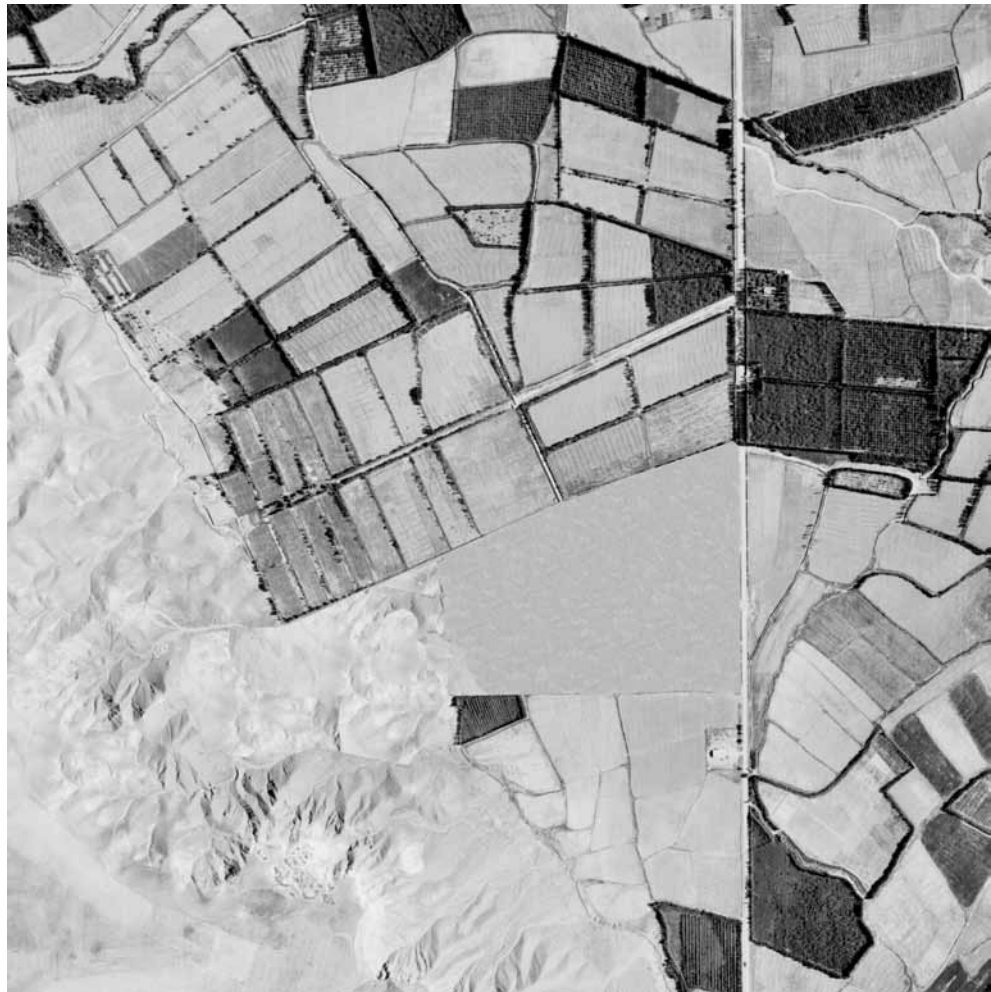
تصویر ۹: نقشه سال ۱۸۲۸ میلادی ترسیم شده توسط کولوف و یائی شنیکف، شهر خوی با حصار در بالای نقشه و داغ‌باغی در سمت چپ جاده و پایین نقشه قابل مشاهده است. (مهریار و دیگران ۱۳۷۸، ۷۳)

قدیمی‌ترین عکس هوایی منطقه مورد نظر مربوط به سال ۱۳۴۶ خورشیدی است و در آن نقشه باغ به صورت دست‌نخورده‌تری نسبت به وضعیت موجود مشخص است. در این تصویر، باغ به صورت ۶ تخت دیده می‌شود که با توصیف ژوبر هم‌خوانی دارد. کوشک باغ و حوض مقابل آن و همچنین ردیف درختان چنار، در طول مسیر دسترسی به بنای باغ قابل مشاهده‌اند. (تصویر ۷)

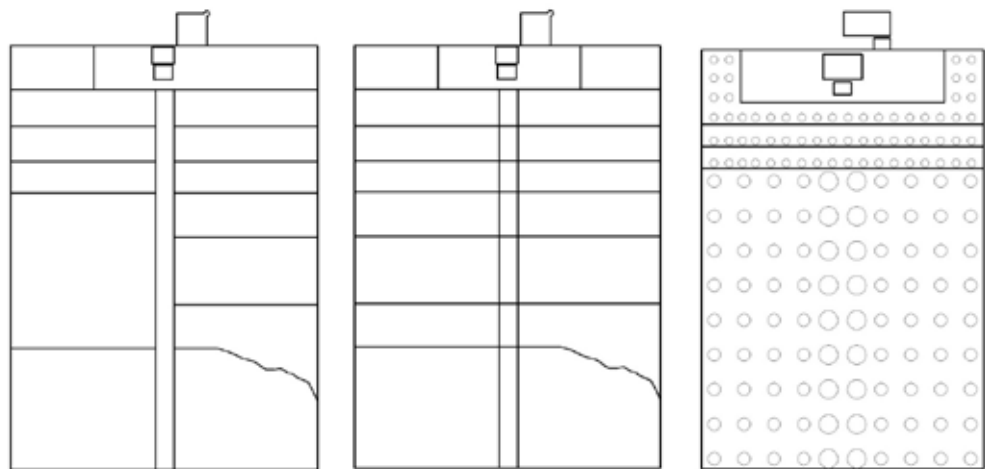
مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی  
شماره ۶ - پاییز و زمستان ۹۳

۹۷



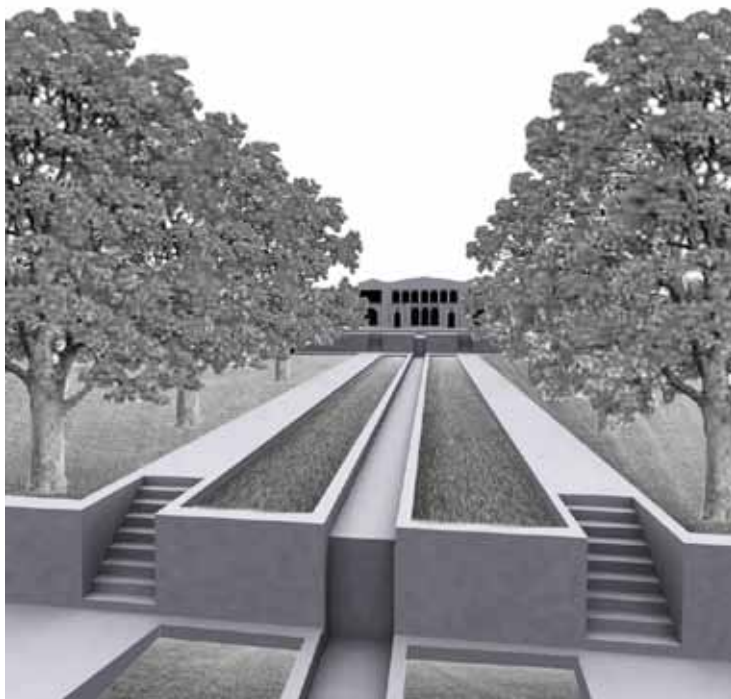
تصویر ۱۱: عکس هوایی منطقه باغ، ۱۳۴۶ خورشیدی (سازمان نقشه برداری کشور)



تصویر ۱۲: کروکی ترسیم شده از نقشه‌ها و عکس‌های هوایی، از راست به چپ به سال‌های ۱۳۴۷ ه.ق (۱۲۰۷ خورشیدی)، ۱۳۴۶، ۱۳۹۲ خورشیدی

### ۵.۳. ورودی و دسترسی‌های باغ

در مورد ورودی باغ هیچ مطلبی عنوان نشده، اما از تهرنگ حصار موجود و الگوهای رایج در باغ‌های سایر نقاط ایران، می‌توان حدس زد که دقیقاً در بخش ورودی فعلی، ورودی قدیمی بنای باغ قرار داشته است. به ویژه اینکه در امتداد مسیر اصلی داخل باغ، خیابانی در خارج آن قابل مشاهده است که باغ را به جاده سلماس-خوی متصل می‌کند. بنای کوچکی در تصویر هوایی سال ۱۳۴۶ خورشیدی (تصویر ۱۰) و بر جای احتمالی سردر یا ورودی باغ قابل مشاهده است که مقداری از آن تخریب شده است. با توجه به باقیمانده دیواره‌های حصار باغ می‌توان ورودی را در همان جهت شمال شرقی و در ابتدای مسیر خاکی موجود جانمایی کرد. با توجه به اهمیت باغ و جایگاه مالکان آن، به احتمال فراوان در باغ موردنظر نیز سردر ورودی وجود داشته است. مسیر دسترسی از ورودی آغاز و پس از طی طول باغ به عمارت موجود در باغ ختم می‌شده است. این مسیر دسترسی از دو پیاده‌رو باریک به عرض ۱/۷۵ متر تشکیل می‌شده که در هر کدام از تخت‌ها با ۹ پله ۲۰ تا ۲۵ سانتی‌متری، دسترسی به تخت بالاتر و در نهایت عمارت باغ را ممکن می‌ساخته است. فضای میان این دو مسیر، به عرض تقریبی ۹ متر نیز جزو فضای سبز باغ محسوب می‌شده است. در میان این فضا نیز جوی سنگی آب به عرض تقریبی ۱/۵ متر قرار داشته که با توجه به اختلاف ارتفاع میان طبقات، آبشارهایی نیز بر سر راه خود داشته است.



تصویر ۱۳: بازنمایی داغ باغی، مسیر دسترسی به تخت‌های باغ

### ۵.۴. بررسی پوشش گیاهی باغ

نظر به اشارات مشابه، حضور دو ردیف درخت چنار پر شاخ‌وبرگ در دو طرف خیابان اصلی باغ انکارناپذیر است. موریه در سفرنامه خود به ذکر مذهبی «یا علی» اشاره می‌کند که از نظر او احتمالاً به نشانه زهد و تقوی و توسط مومنانی بر روی تنه درختان چنار حک شده که از این بهشت کوچک دیدن کرده‌اند (موریه ۱۸۱۳، ۶۹). این توصیفات مربوط به زمانی است که درختان رشد کافی نداشته‌اند. درختان یاد شده تا محل قراگیری بنا ادامه داشته و در تخت انتهایی باغ، پیرامون عمارت را دربر گرفته بودند. (تصویر ۱۲ و ۷) در جای دیگری جیمز موریه می‌نویسد: «هوای خوی به

علت موقعیت جغرافیایی خاصش، از تبریز خیلی گرم‌تر است. گل‌های سرخ تماماً در این شهر غرق گل بودند» (موریه ۱۸۱۳، ۷۲). اوژن فلاندن از اعضای هیات کنت دوسرسی و نقاشی ماهر که در ۸ ذی‌قعدة ۱۲۵۵ ه.ق (۱۴ ژانویه ۱۸۴۰ میلادی) وارد خوی شده‌است، در توصیف شامی که برایشان تدارک دیده شده بود به قدح‌های شربت لیمو و گل سرخ اشاره می‌کند که در وسط سفره گذاشته بودند (فلاندن ۱۳۵۶، ۶۵). ریاحی در شرح درختان باغ، خاطر نشان می‌کند که اطراف این درختان را گل‌های سرخ پوشانده و بدین ترتیب فضایی زیبا در امتداد مسیر ایجاد شده‌است (ریاحی ۱۳۷۸، ۱۹۴). گل سرخ از گل‌هایی است که امروزه نیز در این شهر کاشته می‌شود، و با استناد به نقل‌قول‌های ارائه شده و تصویر تخت‌های باغ می‌توان گفت که در اطراف درختان چنار و احتمالاً در هر جا که نیاز به ایجاد فضای زیبا بوده، این گل را می‌کاشته‌اند.

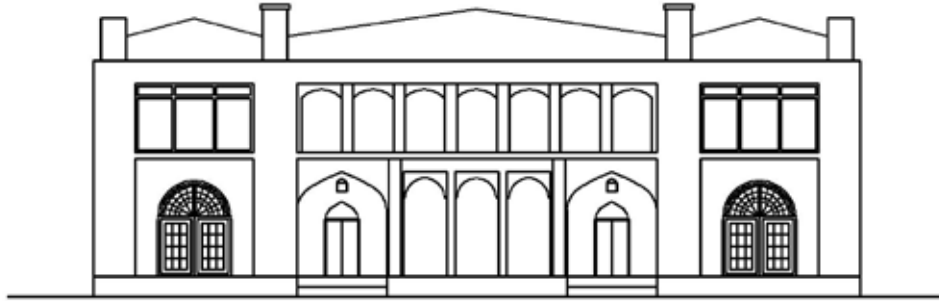
در تصاویر هوایی، درختانی در بر تخت‌ها قابل تشخیص‌اند که شکل آن‌ها به درخت چنار نزدیک است. بقیه قسمت‌های باغ درختان میوه و علف بوده است. این قسمت از شهر به صورت خودرو مملو از چمن است. اکنون نیز این شرایط در این منطقه از شهر باقی است. درختان میوه فعلی سیب و زردآلو هستند، اما در اسناد تاریخی به میوه‌های دیگری نیز اشاره شده‌است. از آن جمله انگور و آمروند خوی که به شیرینی و بزرگی و آبداری شهره بوده‌است (مستوفی ۱۳۸۹، ۸۵). دو طرف راست و چپ خیابان را انواع درختان میوه، و زمین باغ را جای‌جای علف‌های زیبا پوشانده بود (موریه ۱۳۸۵، ۳۲۷). نخستین اروپایی که از خوی عبور کرده<sup>۲۱</sup> قسمت اعظم زمین‌های خوی را باغ‌های میوه دانسته که در آن‌ها میوه‌های فراوان در انواع مختلف، خصوصاً هلو و انگورهای بسیار عالی به بار می‌آمده است (تفضلی ۱۳۷۰، ۵۶).

امروزه در باغ‌های شهر توت و مو به ندرت کاشته می‌شود. ولی زردآلو کماکان یافت می‌شود. به نظر می‌رسد در دهه‌های اخیر الگوهای کاشت درختان در این شهر دست‌خوش تغییر شده‌است. به هر حال در اطراف درختان چنار باغ می‌توان مجموعه‌ای منظمی از درختان زردآلو، هلو، توت و مو را در نظر گرفت و لذا باغ در کل مجموعه‌ای از درختان شمر و غیرشمر بوده‌است. هم‌اکنون در تخت‌های باقی‌مانده باغ می‌توان تعدادی درخت منظم زردآلو و سیب مشاهده کرد که البته قدیمی نیستند.

## ۵.۵. بناهای موجود در باغ

به نظر می‌رسد علاوه بر سردر ورودی تنها یک کوشک دو طبقه در انتهای باغ وجود داشته که در همان زمان احمدخان ساخته شده و در زیرزمین آن نیز حمامی موجود بوده‌است. در تصویری که مقارن با نهضت مشروطه است، عمارت باغ به وضوح نمایان است (تصویر ۸). عمارت یادشده با ارتفاع تقریبی ۱۰ متر به اندازه دو پله از سطح تخت نهایی باغ بالاتر بوده و معماری آن همچون کوشک‌های دوره قاجار است. ساخت آن با خشت‌های ۲۰×۲۰×۵ سانتی‌متر صورت گرفته که نمونه‌های این خشت در دیوار باقیمانده از عمارت قابل مشاهده‌اند. ورود به بنا با دو ورودی صورت می‌گرفته که در تبعیت از الگوی مسیر درون باغ بوده‌است. این موضوع که هماهنگی چشمگیر میان عمارت و خیابان باغ را نشان می‌دهد، می‌بایست به عنوان ویژگی و خصوصیت منحصر به فرد باغ یاد شده دانسته شود. پنجره‌های ارسی سه‌دری، تزئینات چوبی و شیشه‌های رنگی در آن مشهودند. از هر دو نوع قوس تیزه‌دار و مازه‌دار در این بنا استفاده شده‌است. در واقع تاثیر ورود تدریجی معماری غربی در قوس‌ها مشهود است. فرم کوشک با بناهای تاریخی اوایل دوره قاجار هم‌خوانی دارد، اما سنتوری موجود بر پیشانی اصلی بنا از عناصر معماری‌ای است که در دهه‌های میانی دوران قاجار و آغاز حکمرانی ناصرالدین‌شاه وارد معماری ایران شده (قبادیان ۱۳۸۵، ۲۳۸) و لذا به نظر می‌رسد بنای کوشک باغ در دوره‌های مختلف مورد تعمیر قرار گرفته و همچنین الحاق ساختارهای جدیدی همچون سنتوری در آن صورت پذیرفته است. در تصویر هوایی سال ۱۳۴۶ خورشیدی بنا و حوض مقابل آن مشخص است. (تصویر ۱۱) آنچه که اکنون از دیواره‌ها باقی مانده (تصویر ۳)، دیوار انتهایی باغ است و قطعه سنگ‌های روبروی آن، مربوط به سنگ‌های آزاره خود کوشک می‌باشد. این سنگ‌ها هم‌راستا با دیوار باقیمانده و درست در یک کد ارتفاعی با آن قرار دارند، پس فرض اینکه طبق گفته ریاحی، مربوط به حوضی در زیرزمین کوشک باشند، غیرمحتمل است. جانمایی بنا و حصار باغ در تصویر سال ۱۳۴۶ خورشیدی نیز مصدق این ادعاست. در عین

حال، این که سنگ‌های یادشده (تصویر ۴) بخشی از حوض مقابل عمارت باشند نیز با توجه به شکل ناصاف سنگ‌ها که معمولاً برای ازاره کاربرد دارند بعید به نظر می‌سد. حوض دوم که مقابل عمارت باغ قرار داشته کاملاً تخریب شده و اثری از آن وجود ندارد. هرچند با استفاده از تصویرهای موجود می‌توان موقعیت آن را در نقشه باغ مشخص کرد. با توجه به توصیفات و تصاویر موجود می‌توان نمای عمارت باغ را این چنین ارائه کرد.



تصویر ۱۴: نمای بازسازی شده کوشک باغ

#### ۵.۶. وضعیت تامین و گردش آب

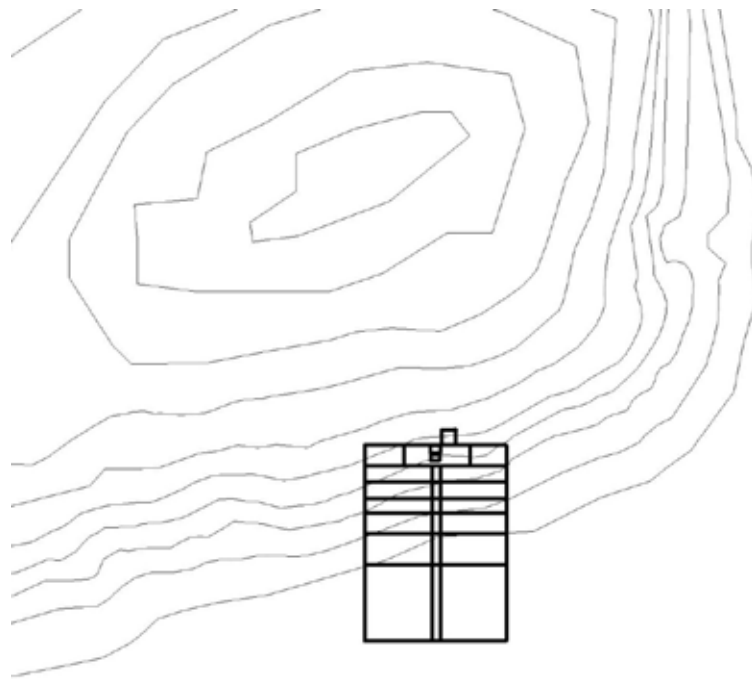
در اسناد تاریخی شرح قابل توجهی از نحوه آب‌رسانی درون باغ ارائه نشده‌است؛ هرچند جیمز موریه به اینکه آب باغ از قنات تامین می‌شده، اشاره کرده است. در عین حال، امروزه و در تصاویر هوایی ردی از آن قابل مشاهده نیست. متأسفانه بررسی میدانی کوه‌های اطراف به علت قرارگیری در محدوده نظامی، به هیچ عنوان میسر نیست. اما بالای باغ و خارج از محدوده حصار آن هنوز چشمه‌ای پرآب در جریان است. این منطقه پر از چشمه‌های طبیعی است. به نظر می‌رسد، آب چشمه همان گونه که ریاحی عنوان کرده است، از طریق تنبوشه‌های سفالی و از طریق فواره وارد فضای حوض مقابل عمارت باغ می‌شده و از آنجا سرازیر شده و از طریق جوی سنگی که در بردارنده آبشارهایی در فاصله میان تخت‌ها بوده است به سمت ورودی باغ حرکت می‌کرده‌است. از همین آب در حمام موجود در کوشک نیز استفاده می‌شده که متأسفانه به علت تخریب‌های گسترده شکل و محل آن مشخص نیست.



تصویر ۱۵: بازنمایی داغ‌باغی، حوض مقابل کوشک و مسیر جوی آب

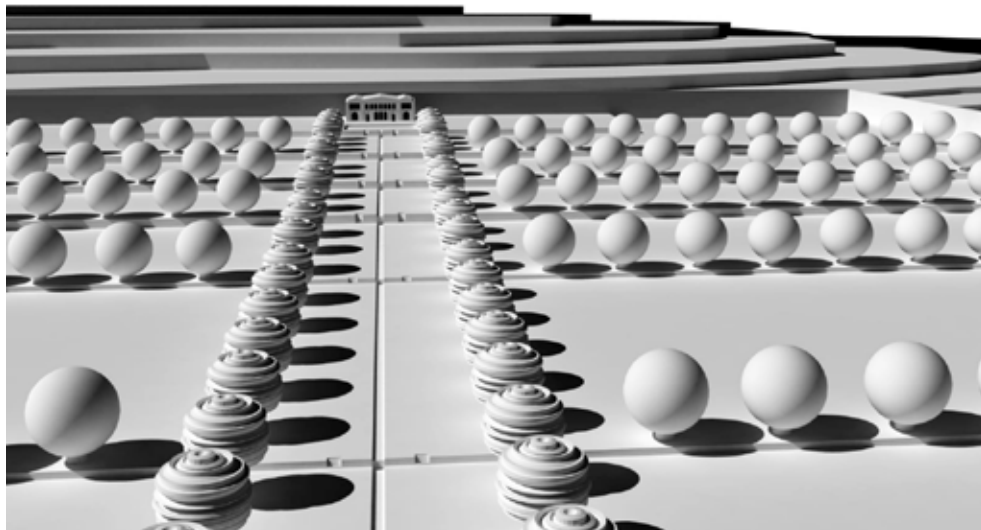
### ۵.۷. فرم و شکل کلی باغ

با توجه به مطالب ارائه شده و بررسی تصاویر هوایی، بنای باغ دارای ۶ تخت بوده است. مقایسه نقشه‌های بدست آمده از عکس‌های هوایی سال ۱۳۴۶ خورشیدی، عکس هوایی امروزی و نقشه سال ۱۲۴۷ ه.ق (۱۸۲۷ میلادی) مشخص می‌کند که موقعیت قرارگیری تخت‌های درون باغ، متأثر از وضعیت توپوگرافی منطقه بوده است. باغ در دامنه کوه قرار گرفته و در جهت استفاده بهینه از موقعیت طبیعی، همگام با افزایش شیب کوه، طبقات یا تخت‌هایی برای باغ ساخته شده است.



تصویر ۱۶: جایگاه قرارگیری داغ‌باغی در دامنه کوه قلابی

بخش ابتدایی باغ که محل تلاقی کوه و دشت بوده به صورت ملایم‌تر ارتفاع گرفته و لذا دو طبقه پست‌تر باغ را در این قسمت و با ارتفاع کمتر نسبت به سایر طبقات ساخته‌اند. علت عدم ترسیم این دو تخت در نقشه ۱۲۴۷ ه.ق (۱۸۲۷ میلادی) نیز باید همین موضوع باشد. لازم به ذکر است که در راهنمای نقشه یاد شده قید شده است که با «تخمین نظری در هنگام سیر و سیاحت» تهیه شده است (مهریار و دیگران ۱۳۷۸، ۷۵). دو تخت یاد شده دارای ارتفاع کم و طول بیشتر نسبت به سایر تخت‌ها بوده‌اند؛ لذا به مرور زمان، فرسایش و تخریب موجب شده تا از آن‌ها جز شیب ملایم اثری باقی نماند، به نحوی که با قسمت ورودی باغ نیز هم‌تراز شده‌اند. از همین روست که جیمز موریه در سال ۱۲۲۴ ه.ق (۱۸۰۹ میلادی) باغ را در ۶ طبقه توصیف نموده، حال آنکه ریاحی حدود ۱۳۰ سال بعد، باغ را در ۴ طبقه توصیف می‌کند. هم‌اکنون نیز هنگام ورود به باغ، ۴ تخت قابل شناسایی است و تنها در تصاویر هوایی می‌توان ردی از دو تخت دیگر یافت. چهار تخت انتهایی به علت نزدیک‌تر بودن به کوه و افزایش شیب، دارای ارتفاع بیشتر و طول کمترند. طول تخت‌ها یکسان نبوده و به مرور از آن کاسته شده است. تخت انتهایی باغ با توجه به عکس‌های هوایی، مختص عمارت کوشک و حوض مقابل آن بوده است. عرض این تخت نسبت به دیگر تخت‌ها کمتر بوده و فضاهای دو طرف آن مربوط به تخت پنجم بوده است.



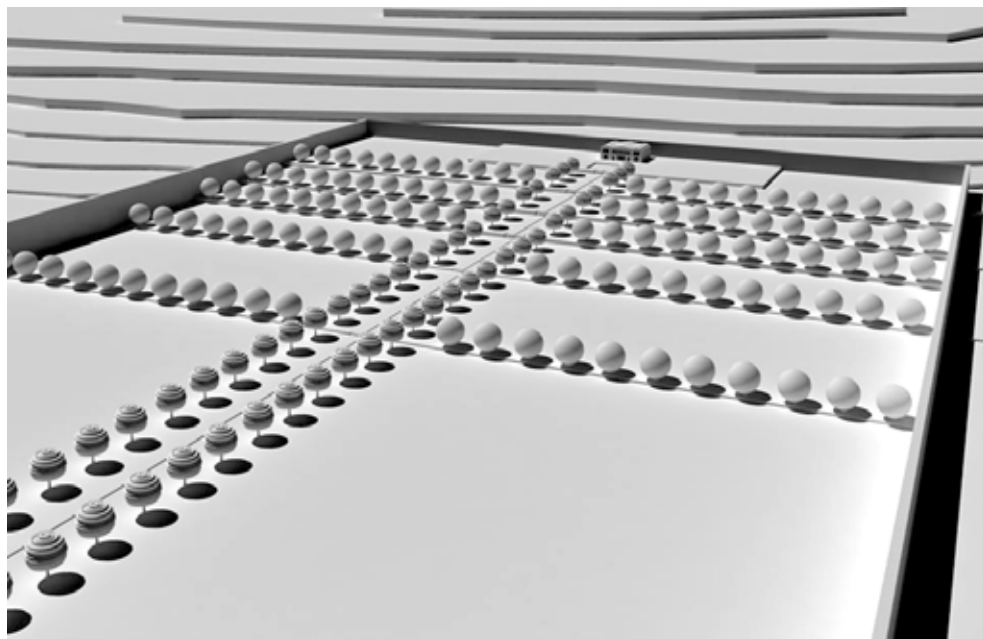
تصویر ۱۷: بازنمایی داغ‌باغی، تخت‌ها، کوشک و تپه قلابی

حصاری پیرامون باغ را در بر می‌گرفته است. یک حصار مجزای مربع با یک برج کوچک در گوشه راست، در تصاویر هوایی مشخص است. هم‌اکنون نیز این حصار و برج وجود دارد که خانه‌ای توسط مالک فعلی در آن ساخته شده است. در تصویر ۱۲۴۷ قمری، در این بخش باغ، تهرنگی از یک ساختار معماری وجود دارد، که ممکن است مربوط به خانه نگهبان باغ و یا تاسیسات مربوط به آبرسانی بوده باشد. در تصویر هوایی ۱۳۴۶ خورشیدی نیز حصار با کیفیتی که امروزه داراست، قابل شناسایی است. در مورد کرت‌بندی‌های احتمالی باغ اسناد دقیقی در دست نیست، تغییر مداوم در مالکیت باغ و استفاده از بخش‌های ابتدایی آن جهت کاشت درختان میوه جدیدتر، و حتی کاشت علوفه برای حیوانات، کرت‌بندی‌ها را از میان برده است. کرت‌بندی‌ای که در تصویر هوایی سال ۱۳۴۶ خورشیدی مشهود است نیز ممکن است مربوط به مداخلات مالکان بعدی باغ باشد.

### جمع‌بندی

داغ‌باغی، باغی تاریخی است که در دوره زنده و توسط امیر احمدخان دنبلی ساخته شده است. استقبال و پذیرایی از پادشاهان و جهانگردان در دوره‌های مختلف دلیل اهمیت این باغ بوده و لذا همه فضاها و نظام‌های استفاده شده در آن دارای اصول طراحی شده و مشخصاً فضایی تجملی برای نمایش قدرت حکمران محلی بوده است. باغ دارای طرحی مطابق بوده است. ۶ تخت با دیواره سنگی، فضای داخلی باغ را تشکیل می‌داده که در ابتدای این طبقات ردیفی از درختان چنار کاشته شده بود. در طبقه انتهایی یک کوشک و حوضی سنگی در برابر آن قرار داشت. یک مسیر دسترسی از ورودی تا عمارت، موجود بوده که از بخش میانی آن، جوی آب سنگی، آب را از عمارت تا ورودی باغ منتقل می‌کرده است. دو ردیف درخت چنار در حاشیه مسیر دسترسی به کوشک قرار داشتند، و فضای پشت آن‌ها مربوط به باغچه‌ها و کرت‌بندی‌های باغ بوده است. دو ردیف پله در دو طرف این مسیر امکان دسترسی به طبقات بالاتر را فراهم می‌کرد. داغ‌باغی همچون سایر باغ‌های تاریخی ایران، دارای اجزای مشخص بوده و در تناسب با موقعیت جغرافیایی قرارگیری آن، تلاش گردیده تا این اجزاء، ساختاری یکپارچه ایجاد نموده و امکان استفاده آسان از فضای باغ را فراهم نماید.





تصویر ۱۸: بازنمایی داغ‌باغی، شکل کلی باغ

### پی‌نوشت

۱. خوی دومین شهر استان آذربایجان غربی از لحاظ مساحت و جمعیت است. این شهر در قسمت شمالی استان و در راستای شمالی- جنوبی بین دو شهر ماکو و سلماس قرار دارد. به لحاظ کشاورزی و تولید خشک‌بار یکی از قطب‌های کشور بوده و هم‌اکنون نیز به داشتن مزارع آفتابگردان مشهور است. خوی تا اواسط دوره قاجار تومان بوده است. تومان در تقسیمات کشوری همچون مرکز ایالت کنونی بوده و تومان خوی چهار شهر خوی، سلماس، ارومیه و اشنویه را شامل می‌شده است. برای اطلاع بیشتر ر.ک: تاریخ خوی، مهدی آقاسی، صفحه‌ی ۱۹۷.

### 2. Pascal Coste

۳. مهوش عالمی مقاله را به زبان ایتالیایی تحریر نموده، و تاکنون به زبان فارسی ترجمه نشده است. ایشان این مطلب را طی مطالعات خود در رابطه با «سنت‌های باغ‌سازی در خاورمیانه» انجام داده‌اند. مبنای پژوهش ایشان نیز ترسیمات دستی کُست و مطالبی است که یک تاجر ونیزی در دوران صفوی از این باغ بیان کرده است. برای اطلاع بیشتر ر.ک: [www.middleeastgarden.com](http://www.middleeastgarden.com)

۴. برای مطالعه متن کامل این پژوهش ن.ک: جیحانی، حمیدرضا، و سمیرا منصوری. ۱۳۹۱. بازیابی ساختار فضایی و شکل باغ فردوس شمیران. مرمت آثار و بافت‌های تاریخی و فرهنگی. ش.۳. صفحات ۷۹-۹۴.

۵. ن.ک: خوئی، حمیدرضا، و محمدرضا گراوندپور. ۱۳۸۹. شرح معماری باغ تخت شیراز. صفه. ش. ۵۱. صفحات ۵-۲۲. هم چنین ن.ک: زندیه، مهدی، و ندا عرب سلغار. ۱۳۹۱. نظام الگویی باغ تخت شیراز با تکیه بر بازآفرینی تصویر باغ. باغ نظر. ش.۲۳. صفحات ۱۱-۳۰.

۶. حاجی میرزا حسن زنوزی ریاضی متخلص به فانی و صاحب کتاب معروف ریاض‌الجنه بوده و در سال‌های پس از ۱۲۰۰ ه.ق در زمان حسینقلی‌خان پسر احمدخان در خوی ساکن بوده است. وی شرح مفیدی راجع به وضع اجتماعی و سیاسی خوی در زمان حیات خویش که قسمت عمده آنرا در این شهر گذرانیده در تالیف خود ضبط نموده است. برای اطلاع بیشتر ر.ک: تاریخ خوی، مهدی آقاسی، صفحه‌ی ۲۰۱.

7. Eugene Aubin

۸. لطفعلی بیگ ابن آقاخان بیگدلی شاملو متخلص به آذر شاعر و ادیب قرن ۱۲. برای اطلاع بیشتر ر.ک: فرهنگ فارسی معین، جلد پنجم، صفحه‌ی ۱۳.  
 ۹. مهین سلاله مجد و جلال احمدخان / ثمین در صدف مرتضی قلی خانی  
 ۱۰. ابیات پایانی قصیده مذکور بیشتر مدح و تعریف بانی باغ بوده و از آنها جهت دست‌یابی به سال ساخت باغ نمی‌توان نکته‌ای استحصال کرد:

به کار حکم نیفتاده مشکلی او را / جز اینکه حق گذراند بر او به آسانی  
 نه عفو او نگر در خیانت خائن / نه عدل او گذرد از جنایت جانی  
 به باغ چون نگر حفظ او به ناطوری / به راغ چون گذرد پاس او به چوپانی  
 به فرق صعوه کند چنگ باز، شانه کشی / به کام بره کند ناب شیر پستانی  
 به پاس رایب اسلام از سلامت او / خدا کند نکند رخنه در مسلمانی  
 غرض نگارش تاریخ را نوشت آذر / زید بکام درین بوستانسرا بانی

11. August Bontemp

۱۲. در این زمان شهر در اختیار عباس میرزا بوده است. جعفرقلی خان حاکم خوی در سال ۱۲۱۴ هجری قمری [۱۷۷۹ میلادی] توسط عباس میرزا که در آن زمان دوازده ساله بود شکست خورد و پس از آن دیگر به خوی توجه چندانی نشد. از همین روست که در نقشه سال ۱۲۴۷ ه.ق (۱۲ نوامبر ۱۸۲۸ میلادی) ترسیم شده توسط کولوف و یائی شنیکف از این باغ به عنوان عمارت عباس میرزا یاد شده است. برای اطلاع بیشتر ر.ک: اسناد تصویری شهرهای ایران، صفحه‌ی ۷۴ و سفرنامه‌ی بن‌تان، صفحه‌ی ۱۱۱.

۱۳. در آن حیاض و جداول که باشدش همه سنگ / بلور و مرمر و یشب و زبرجد کانی

۱۴. هر آن نهال که پوشیده رخت نروزی / نداده ز آذر و دی نیز تن به عربانی

۱۵. حمام و طوطی آن قصر از خوش آوازی / تذرو و بلبل آن باغ از خوش الحانی

۱۶. وی در شرح این میهمانی شعری ۲۳ بیتی سروده که چند بیت از آن بدین گونه است:

چو فردوس بودش یکی تازه باغ / کز آن در دل باغ فردوس داغ

یکی کاخ بودش سزاوار شاه / سر کنگره‌ش برگزیده ز ماه

چو بتخانه گنگ زباناگار / نگارش به ایوان در شاهوار

فروهشته بر آن ز زرین پرن / فروزنده چون قبله اهرمن

برای اطلاع بیشتر ر.ک: تاریخ کاشان، صفحه‌ی ۳۶۱.

17. Pierre Amedee Jaubert

18. James Morier

۱۹. واژه‌های مهمتایی برگردان فارسی واژه "terrace" و قنات نیز به صورت "kanauts" عیناً در متن انگلیسی آورده شده است. توصیفات ارائه شده در متن اصلی بدین صورت می‌باشد:

[It consists of a fine alley of chenar trees, which leads up to a pleasure-house, now falling into decay, built on the elevation of six terraces, from each of which falls a beautiful cascade, conducted by Kanauts from the neighboring mountains.]

برای مطالعه‌ی تمام متن اصلی ر.ک:

A journey through Persia, Armenia and Asia minor, to Constantinople, page 291-299

۲۰. اوژن اوبن پس از توضیحاتی در مورد حاج حیدرخان امیر تومان، به عنوان بزرگ‌ترین حاکم محلی وقت، به توصیف باغ پرداخته و لذا مالکیت آن را به وی نسبت داده است. لذا منظور نویسنده از ضمیر "او" در متن، حاج حیدرخان نائب‌الحکومه بوده که در مواقع عدم حضور حاکم در شهر، وظایف وی را انجام می‌داده است. مترجم متن اصلی در پاورقی اشاره دارد که داغ‌باغی

یا باغ دلگشا، یکی از آثار بسیار زیبای امیر احمدخان دنبلی است که بعدها به تملک دیگران درآمد است. برای اطلاع بیشتر ر.ک: ایران امروز، صفحه‌ی ۹۷.

۲۱. وی در دهه‌ی اول سلطنت فتحعلی‌شاه و به عنوان نخستین اروپایی از خوی عبور کرده است. ظاهراً ایتالیایی گمنامی است که سفرنامه‌اش، در قسمت آخر ترجمه فرانسو کتاب "سفری از هند تا شیراز" اثر اسکات وارینگ، در پاریس به چاپ رسیده است. برای اطلاع بیشتر ر.ک: مقاله‌ی خوی و اروپاییان، علی‌اصغر سعیدی، صفحه‌ی ۴۳ از کتاب یکی قطره باران.

## منابع

- آقاسی، مهدی. ۱۳۵۰. تاریخ خوی. تبریز: موسسه تاریخ و فرهنگ ایران.
- اوین، اوژن. ۱۳۹۱. ایران امروز (۱۹۰۶-۱۹۰۷) سفرنامه و خاطرات اوژن اوین سفیر فرانسه در ایران در آستانه جنبش مشروطیت. ترجمه، حواشی و توضیحات علی‌اصغر سعیدی. تهران: علم.
- بن‌تان، آگوست. ۱۳۵۴. سفرنامه بن‌تان (نامه‌های یک افسر فرانسوی درباره سفر کوتاهی به ترکیه و ایران در سال ۱۸۰۷). ترجمه خانم منصوره نظام‌مافی اتحادیه. تهران: چاپ سپهر.
- تفضلی، احمد. ۱۳۷۰. یکی قطره باران - جشن نامه استاد دکتر عباس زریاب خوئی. تهران: بی‌نا.
- دنبلی، عبدالرزاق بیگ. ۱۳۴۲. نگارستان دارا. به اهتمام خیام‌پور. تبریز: بی‌نا.
- رشید، ادیب‌الشعراء. ۱۳۴۶. تاریخ افشار. به اهتمام محمود رامیان و پرویز شهریار افشار. تبریز: بی‌نا.
- ریاحی، محمدامین. ۱۳۷۸. تاریخ خوی (سیر تحولات اجتماعی و فرهنگی شهرهای ایران در طی قرون). تهران: طرح نو.
- زنوزی ریاضی، محمدحسن. ۱۱۷۲. ریاض‌الجنه. کتابخانه ملی تبریز: نسخه خطی.
- ژوبر، پیر آمده. ۱۳۴۷. مسافرت به ارمنستان و ایران. ترجمه محمود مصاحب. تبریز: کتابفروشی چهر.
- غفاری کاشانی، ابوالحسن. ۱۳۶۹. گلشن مراد. تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد. تهران: زرین.
- فلاندن، اوژن. ۱۳۵۶. سفرنامه اوژن فلاندن به ایران. ترجمه حسین نورصادقی. تهران: اشراقی.
- قبادیان، وحید. ۱۳۸۵. معماری دارالخلافه ناصری (سنت و تجدد در معماری معاصر تهران). تهران: پشتون.
- مستوفی قزوینی، حمداله بن ابی‌بکر. ۱۳۸۹. زهه القلوب، مقاله‌ی الثالثه در وصف بلدان و ولایت و بقاع. تصحیح و تحشیه گای لیسترانج. تهران: اساطیر.
- موریه، جیمز. ۱۳۸۵. سفرنامه جیمز موریه - سفر یکم - ایران، ارمنستان و آسیای کوچک. ترجمه ابوالقاسم سری. تهران: توس.
- مهریار، محمد. ۱۳۷۸. اسناد تصویری شهرهای ایرانی - دوره قاجار. تهران: دانشگاه شهید بهشتی و سازمان میراث فرهنگی.
- هدایت، رضاقلی‌خان. ۱۳۳۹. روضه‌الصفای ناصری (متمم روضه‌الصفای میرخواند). جلد ۹. تهران: چاپ خیام.
- Morier, James Justinian. 1812. A journey through Persia, Armenia and Asia minor to Constantinople, in the years 1808 and 1809. London: longman, hurst, orme and brown.